

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق رامین

مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۴۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۴۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۵ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰

مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵)

ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶-^(۱)
 اساسنامه شرکت تولید نیروی برق رامین را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

ماده ۲- شرکت با رعایت مفاد اساسنامه و قوانین مربوط مجاز به اقدامات زیر می‌باشد:

۱- ...

۴- پیش‌فروش انرژی برق و نیز سایر روش‌های تأمین منابع مالی از منابع داخلی و خارجی، اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری، عرضه اوراق مشارکت با اخذ مجوز از

مراجع قانونی

۵- ...

دیدگاه مغایرت

اطلاق حکم بند (۴) ماده (۲) مبنی بر اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری از منابع خارجی توسط شرکت، مستلزم تجویز اخذ وام ربوی نیز می‌شود؛ حال آنکه حرمت اخذ وام ربوی یکی از احکام مسلم شرعی است. بنابراین، از آنجا که این بند مستلزم تجویز اخذ وام ربوی نیز می‌شود، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه طبق صدر ماده (۲) اقدامات شرکت از جمله اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری منوط به رعایت قوانین مربوط شده است، نمی‌توان این بند را مغایر با موازین شرع دانست؛ زیرا یکی از احکام مندرج در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، عدم جواز اخذ

۱. ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸: «ماده ۱۸- جهت تسهیل امر واگذاری بنگاه‌های مشمول واگذاری، از زمان تصویب فهرست بنگاه‌ها توسط هیئت واگذاری اقدامات زیر انجام می‌شود:

۱- ...

۵- در اجراء این قانون، وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است آن دسته از طرح‌ها و تصدی‌های اقتصادی و زیربنایی دولتی قابل واگذاری را که به صورت شرکت مستقل اداره نمی‌شوند و یا در قالب غیر شرکتی اداره می‌شوند و به نحو موجود قابل واگذاری نمی‌باشند و صرفاً به منظور واگذاری، ابتدا تبدیل به شخص حقوقی مناسب نموده و سپس نسبت به واگذاری آنها ظرف یک‌سال از زمان تبدیل و با رعایت تبصره‌های (۲) و (۳) بند (الف) ماده (۳) این قانون اقدام نماید. این حکم تا پایان سال ۱۳۹۲ معتبر است.

تبصره- وزارت امور اقتصادی و دارایی جهت امر واگذاری بنگاه‌ها می‌تواند از خدمات حقوقی و فنی اشخاص حقیقی و حقوقی دولتی و یا غیردولتی حسب مورد استفاده کند.»

وام و تسهیلات ربوی است. بنابراین، از آنجا که اطلاق این بند مقید به رعایت قوانین مربوط شده است، بند مزبور مستلزم تجویز اخذ وام ربوی نبوده و با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

در بند (۴) ماده (۲)، اطلاق تجویز اخذ وام از جهت شمول نسبت به اخذ وام از منابع خارجی که مستلزم وام ربوی است، خلاف موازین شرع و احکام اولیه شناخته شد.

ماده ۸- انتقال سهام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده یا نماینده قانونی او ثبت انتقال را در دفتر مزبور امضاء نماید. هویت کامل و نشانی انتقال گیرنده نیز از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم در دفتر ثبت سهام قید و به امضای انتقال‌گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او خواهد رسید. تملک هر یک از سهام شرکت متضمن قبول مقررات این اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی سهام‌داران است.

دیدگاه مغایرت

اطلاق حکم ذیل ماده (۸) این مصوبه که تملک هر یک از سهام شرکت را متضمن قبول مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی سهام‌داران دانسته است نسبت به خریداران غافل (مثل خریداران کهنسال و غیر مطلع) که اساساً توجهی به مقررات اساسنامه ندارند و نیز نسبت به افرادی که قبل از تصویب این اساسنامه اقدام به خرید سهام کرده‌اند، مغایر با موازین شرع است؛ زیرا با این حکم، آثار ناخواسته‌ای بر این نوع از سهام‌داران مترتب می‌شود که ممکن است در صورت اطلاع و آگاهی آنها از حکم، ملتزم به چنین حکمی نمی‌شدند.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم ذیل ماده (۸) این مصوبه که تملک هر یک از سهام شرکت را متضمن قبول مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی سهام‌داران دانسته است با اشکالی مواجه نیست؛ زیرا اصل بر این است که شخصی که در یک شرکت سرمایه‌گذاری کرده و مالک سهام شده است، تمام مقررات آن شرکت را پذیرفته است؛ در غیر این صورت، هرکس می‌تواند به بهانه‌ای از اجرای مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی سهام‌داران خودداری کند و در نهایت، اداره شرکت با اختلال مواجه خواهد شد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۰- مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، شرکا در فرض بدهی یا ورود خسارت ضامن همه بدهی‌ها و خسارات وارده به افراد می‌باشند و باید کل بدهی یا خسارت را از اموال خود جبران کنند؛ حال آنکه طبق ماده (۱۰) این مصوبه مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها دانسته شده است. از این رو، حکم مقرر در این ماده مبنی بر محدود بودن مسئولیت صاحبان سهام به مبلغ اسمی سهام دارای اشکال است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در نظام حقوقی ما و در نظرات بسیاری از فقها از جمله مقام معظم رهبری، «شرکت» در معنای مصطلح آن، خود واجد شخصیت حقوقی مستقل از سهام‌داران آن است، حکم مقرر در ماده (۱۰) این مصوبه مبنی بر محدودیت مسئولیت صاحبان سهام به مبلغ اسمی سهام با اشکالی مواجه نیست؛ زیرا در این حالت، بدهی یا خسارت ایجادشده مربوط به شخصیت حقوقی شرکت است و بر این اساس، صاحبان سهام صرفاً به میزان مبلغ اسمی سهام خود در جبران خسارت و پرداخت بدهی، مسئولیت دارند.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۹- مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در این اساسنامه پیش‌بینی شده است برای استماع گزارش مدیران، بازرس و یا بازرسان و بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت‌داری و مطالبات و دیون تشکیل شود. هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا میزان سرمایه شرکت یا انتشار اوراق مشارکت و یا انحلال شرکت منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است. ...
تبصره ۱- ...

تبصره ۲- هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید و یا نسبت به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت بدون اخذ نظر وزیر نیرو اقدام نماید.

تبصره ۳- مادام که شرکت با رعایت قوانین، دولتی است، اصلاح اساسنامه (از جمله تغییر سرمایه) منوط به تصویب هیئت وزیران است.

تبصره ۴- ...

دیدگاه مغایرت

طبق ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی، مرجع تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی در صورت تفویض اختیار از سوی مجلس، هیئت وزیران است. بر این اساس، با عنایت به اینکه شرکت موضوع این مصوبه مربوط به قبل از واگذاری آن به بخش خصوصی است و لذا هنوز این شرکت، «دولتی» محسوب می‌شود، انحلال شرکت نیز وفق اصل (۸۵) قانون اساسی در صلاحیت هیئت وزیران است و قابل واگذاری به غیر نیست؛ چون هیئت وزیران در حیطه‌ی صلاحیت تفویضی از سوی مجلس، اختیار تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی را دارد و بر این اساس، نمی‌تواند صلاحیت خویش را در این خصوص در بخش انحلال شرکت به دیگری (مجمع عمومی فوق العاده، با اخذ نظر وزیر نیرو) واگذار کند. البته در صورتی که شرکت به بخش خصوصی واگذار شود، در آن صورت، انحلال شرکت دیگر ارتباطی به هیئت وزیران نخواهد داشت بلکه خود ارکان آن شرکت می‌توانند در این خصوص تصمیم‌گیری کنند. بنابراین، حکم مقرر در ماده (۱۹) این مصوبه مبنی بر اعطای صلاحیت انحلال شرکت به مجمع عمومی فوق‌العاده، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است.

دیدگاه ابهام

الف) طبق ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی، مرجع تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌ها پس از تفویض اختیار از سوی مجلس، صرفاً هیئت وزیران معرفی شده است. بر این اساس، از آنجا که معلوم نیست در تبصره (۲) ماده (۱۹)، برای تغییر تابعیت شرکت، افزایش تعهدات صاحبان سهام و یا انحلال شرکت علاوه بر اخذ نظر وزیر نیرو آیا تصویب هیئت وزیران نیز ضروری است یا خیر، این تبصره واجد ابهام است؛ چه آنکه در صورتی که مراد از این تبصره آن باشد که نظر وزیر نیرو کافی است و تصویب هیئت وزیران در این خصوص لازم نیست، این تبصره مغایر با ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی خواهد بود.

ب) از آنجا که معلوم نیست عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» در تبصره (۲) ماده (۱۹) همه‌ی

موارد مذکور در تبصره، یعنی تغییر تابعیت شرکت، افزایش تعهدات صاحبان سهام، تغییر اساسنامه و انحلال شرکت را شامل می‌شود یا اینکه تنها دو مورد اخیر یعنی تغییر اساسنامه و انحلال شرکت را در بر می‌گیرد، این تبصره دارای ابهام است؛ زیرا چنانچه این قید مربوط به تغییر تابعیت شرکت هم باشد - که ظاهر عبارت و استفاده از واو عطف بین این موارد در این تبصره، مفید همین معنا است - معنای این تبصره آن است که مجمع عمومی با اخذ نظر مثبت وزیر می‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد؛ حال آنکه تغییر تابعیت شرکت جزء مقومات وجودی شرکت است و تغییر آن حتی در اختیار مجامع عمومی هم نیست که بتوانند آن را تغییر دهند.

ج) با عنایت به اینکه در تبصره (۲) ماده (۱۹) این مصوبه معلوم نیست که آیا اخذ نظر وزیر نیرو در این تبصره صرفاً مربوط به زمان دولتی بودن این شرکت است یا به بعد از واگذاری آن نیز سرایت می‌کند یا خیر، این تبصره واجد ابهام است؛ زیرا در صورتی که مقصود از این تبصره آن باشد که در فرض واگذاری شرکت لزومی بر اخذ نظر وزیر نیرو نیست و انحلال شرکت تنها در اختیار مجمع عمومی شرکت است، این موضوع ممکن است برق‌رسانی به مردم را با اختلال مواجه کند؛ حال آنکه داشتن برق از جمله نیازهای ضروری جامعه است و دولت همواره باید نسبت به تأمین آن توجه جدی داشته باشد. از این رو، حتی در فرض واگذاری شرکت لازم است نظر وزیر نیرو در خصوص انحلال شرکت اخذ شود تا در صورتی که انحلال شرکت را در برهه‌ای باعث اختلال در برق‌رسانی به مردم تشخیص داد، بستر قانونی لازم برای اعمال نظر در این خصوص برای وی وجود داشته باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) باتوجه به اینکه شرکت موضوع این مصوبه یکی از مصادیق شخص حقوقی مذکور در بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است که طبق قانون باید واگذار شود، دیگر به آن شرکت دولتی اطلاق نمی‌شود. از این رو، حکم مقرر در ماده (۱۹) این مصوبه مبنی بر صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده نسبت به انحلال شرکت مغایرتی با ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی مبنی بر لزوم تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌ها توسط هیئت وزیران ندارد؛ زیرا طبق این اصل، هیئت وزیران فقط مرجع تصویب اساسنامه شرکت‌های «دولتی» دانسته شده است. بنابراین، انحلال شرکت توسط مجمع عمومی فوق‌العاده فاقد اشکال است.

ب) انحلال شرکت در دو معنا به کار می‌رود: در معنای اول مقصود از آن، وضع مقرر در خصوص چگونگی انحلال شرکت است و در معنای دوم، فعل انحلال (منحل کردن) مد نظر است. اگرچه انحلال شرکت به معنای اول طبق اصل (۸۵) قانون اساسی در صلاحیت هیئت وزیران است، لیکن مراد قانون‌گذار از انحلال شرکت در ماده (۱۹) این مصوبه، فعل انحلال است. از این

رو، واگذاری فعل انحلال به مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت در این ماده، مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد.

ج) در تبصره (۲) ماده (۱۹) این مصوبه، عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» صرفاً ناظر به مورد اخیر این تبصره یعنی تغییر اساسنامه و انحلال شرکت است و این موضوع تغییر تابعیت شرکت و افزایش تعهدات صاحبان سهام را در بر نمی‌گیرد. با این توضیح معلوم می‌شود قانون‌گذار در این تبصره، هیچ یک از مجامع عمومی را نسبت به تغییر تابعیت شرکت و یا افزایش تعهدات صاحبان سهام صالح ندانسته است. تنها اجمالی که ممکن است در مورد این تبصره بیان شود آن است که با توجه به اینکه قید «بدون اخذ نظر وزیر» ناظر به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت است آیا این تبصره در مقام نفی تصویب هیئت وزیران در این دو مورد است یا خیر؛ لیکن این اجمال با وجود تبصره (۳) این ماده رفع شده است؛ زیرا این تبصره اصلاح اساسنامه را به‌طور کلی (تغییر اساسنامه، انحلال شرکت و ...) منوط به تصویب هیئت وزیران دانسته است. از این رو، تبصره (۲) ماده (۱۹) فاقد اجمال و ابهام است.

نظر شورای نگهبان

در تبصره (۲) ماده (۱۹)، از آنجا که روشن نیست عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» همه موارد مذکور در این تبصره را در برمی‌گیرد یا خیر، ابهام دارد. همچنین این تبصره از این حیث که مشخص نیست آیا موارد مذکور در آن نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد یا خیر، واجد ابهام است. به علاوه در این تبصره، تغییر تابعیت شرکت و افزایش تعهدات صاحبان سهام که جزء موارد مربوط به اساسنامه می‌شود، روشن نیست که آیا به تصویب هیئت وزیران برسد یا خیر؟ که از این جهت هم ابهام دارد. مضافاً بر این، تبصره مذکور از این جهت که مشخص نیست آیا موارد مذکور مربوط به زمان دولتی بودن این شرکت است یا به بعد از واگذاری نیز سرایت می‌کند، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهامات مذکور، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۴۷- هیئت عمومی دارای اختیارات لازم برای هرگونه اقدام به نام شرکت و انجام هر نوع عملیات و معاملات مربوط به موضوع شرکت و اتخاذ تصمیم درباره مواردی که صریحاً در صلاحیت مجامع عمومی قرار نگرفته است، می‌باشد، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدام آنها در حدود موضوع شرکت باشد. اختیارات و وظایف هیئت مدیره از جمله موارد زیر می‌باشد:

۱- ...

- ۴- نصب و عزل مأموران و کارکنان شرکت، تعیین شغل و حقوق و دستمزد و پاداش و ترفیع و تنبیه، تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنها از خدمت و مرخصی و بازنشستگی و مستمری وراث آنها
- ۵- پیشنهاد آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی شرکت به مجمع عمومی برای تصویب
- ۶- ...
- ۱۱- واگذاری یا تحصیل هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)
- ۱۲- ...
- ۱۶- تحصیل تسهیلات از بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات رسمی و درخواست و اخذ هر نوع استقراض به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان و سود کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد با رعایت مقررات ماده (۲) این اساسنامه و استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت منوط به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده خواهد بود.

دیدگاه مغایرت

الف) بند (۴) ماده (۴۷) این مصوبه به نحو مطلق تعیین شغل، حقوق، دستمزد و تعیین سایر شرایط استخدام، معافیت، خروج از خدمت، مرخصی، بازنشستگی و مستمری وراثت مأموران و کارکنان شرکت را به هیئت مدیره واگذار کرده است؛ حال آنکه با توجه به اینکه این موضوعات واجد ماهیت تقنینی است، طبق اصل (۸۵) قانون اساسی، تصمیم‌گیری در مورد آن با مجلس و یا هیئت وزیران (در صورت تفویض اختیار از سوی مجلس) است و واگذاری آن به هیئت مدیره ممکن است موجب تصویب تصمیماتی برخلاف قوانین استخدامی جاری کشور شود. بنابراین، واگذاری تعیین این موضوعات به هیئت مدیره در این بند مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است. بدیهی است، در صورتی که در این بند قید «با رعایت قوانین و مقررات» ذکر می‌شد، این بند با اشکال فوق‌الذکر مواجه نبود.

ب) حکم مقرر در بند (۵) ماده (۴۷) این مصوبه مبنی بر تصویب آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی شرکت توسط مجمع عمومی مغایر با اصل (۱۳۸) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، وضع آیین‌نامه‌های دولتی در صلاحیت وزراء و هیئت وزیران است.

ج) با توجه به اینکه ماهیت استقراض غیر از ماهیت مشارکت است، عبارت «استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت» در بند (۱۶) ماده (۴۷) دچار نوعی تناقض و تهافت است؛ زیرا اوراق مشارکت به معنای قرض نیست، بلکه صاحب این اوراق با تأمین بخشی از منابع مالی، به میزان مشخص با دیگری در درآمد حاصل از کار شریک خواهد بود. با توجه به این تناقض لازم

است عبارت «استقراض» به عبارت «تأمین منابع مالی» اصلاح شود.

دیدگاه ابهام

الف) از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) حق مطالبه‌ی سرقفلی تنها در فرضی که سرقفلی بر وجه شرعی به مستأجر منتقل شده باشد و یا به مقتضای قانون برای او ثابت باشد جایز است.^(۱) حال از آنجا که معلوم نیست عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرفقلی)» در بند (۱۱) ماده (۴۷) این مصوبه مواردی که مطابق فتوای مقام معظم رهبری وجه شرعی ندارد را نیز در بر می‌گیرد یا خیر، این بند دارای ابهام است؛ زیرا در صورتی که قانون‌گذار به نحو مطلق در مقام تجویز حق کسب و پیشه و تجارت (سرفقلی) حتی در جایی که آن حق بر وجه شرعی به مستأجر منتقل نشده و یا به مقتضای قانون برای او ثابت نشده است باشد، این بند مغایر با فتوای مقام معظم رهبری خواهد بود.

ب) در بند (۱۶) ماده (۴۷) این مصوبه از آنجا که معلوم نیست مراد از «سود» در عبارت «سود کارمزد» موارد مشتمل بر ربا را نیز شامل می‌شود یا خیر، این بند دارای ابهام است. بدیهی است، در صورتی که منظور از آن ربا باشد، این بند مغایر با موازین شرع خواهد بود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) در بند (۴) ماده (۴۷) این مصوبه واگذاری تعیین شغل، حقوق، دستمزد و تعیین سایر شرایط استخدام، معافیت، خروج از خدمت، مرخصی، بازنشستگی و مستمری وراثت مأموران و کارکنان شرکت به هیئت مدیره به معنای آن نیست که هیئت مدیره برخلاف قوانین استخدامی تصمیم‌گیری کند، بلکه مقصود از این بند آن است که هیئت مدیره در چارچوب آن قوانین می‌تواند در این موضوعات تصمیمات داخلی برای شرکت اتخاذ کند. بدیهی است در صورتی که هیئت مدیره در این موضوعات، تصمیمی برخلاف قوانین جاری کشور اتخاذ کند و به تصویب

۱. «سؤال ۵۸۲: آیا مستأجری که مغازه‌ای را برای تجارت در آن و یا کار دیگری به مدت معینی اجاره کرده، جایز است بعد از پایان مهلت اجاره در صورتی که مالک آن را تجدید نکند از تخلیه مغازه خودداری نموده و حق سرقفلی را مطالبه نماید؟ و آیا با توجه به اینکه حق واگذاری عین مستأجره را به کسی دیگری ندارد، جایز است نسبت به آن ادعای حق شغل و حرفه کند.

جواب: مستأجر حق ندارد بعد از انقضای مدت اجاره عین مستأجره را در تصرف خود نگه دارد و از تسلیم آن به مالک خودداری کند، ولی اگر نسبت به آن حق سرقفلی داشته باشد که از مالک به آن منتقل شده و یا مغازه از مکان هابی باشد که از نظر قانونی برای مستأجر در آن حقی ایجاد می‌شود، در این صورت می‌تواند عوض حق خود را از مالک مطالبه کند.» (خامنه‌ای، سید علی، رساله اجوبه الإستفتائات، ترجمه احمد رضا حسینی، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۱۷)

هیئت وزیران نیز برسد، رئیس مجلس شورای اسلامی به استناد اصل (۱۳۸) قانون اساسی آن مصوبه را برای تجدید نظر به هیئت وزیران ارسال خواهد کرد. بنابراین، حکم مقرر در این بند مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد.

ب) در بند (۱۱) ماده (۴۷) این مصوبه، قانون‌گذار در مقام بیان تجویز حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) که نامشروع و غیرقانونی است نبوده است؛ زیرا اساساً وقتی قانون‌گذار به حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) تصریح می‌کند مقصود وی همان حق کسب و پیشه و تجارت مشروع و مذکور در قوانین جاری است. بنابراین، از آنجا که قانون‌گذار در بند مزبور در مقام بیان نبوده است، نمی‌توان از عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)» در این بند برداشت اطلاق کرد و آن را اعم از حق کسب و پیشه و تجارت مشروع و نامشروع دانست. از این رو، از آنجا که این بند صرفاً ناظر به حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) مشروع و قانونی است، فاقد ابهام و اجمال بوده و نمی‌توان آن را مغایر با فتوای مقام معظم رهبری تلقی کرد.

ج) در بند (۱۶) ماده (۴۷) این مصوبه اضافی «سود» به کارمزد در عبارت «سود کارمزد» اضافی بیانیه است؛ یعنی مراد از سود همان کارمزد است. ضمن آنکه امروزه عبارت «سود کارمزد» در بانک‌ها به یک اصطلاح تبدیل شده و مراد از آن همان کارمزد است. بنابراین، از آنجا که عبارت «سود کارمزد» به صورت اضافی بیانیه به کار رفته است، این بند فاقد ابهام و ایراد است و مشتمل بر سودهای ربوی نیست.

نظر شورای نگهبان

- بند (۱۱) ماده (۴۷)، از این جهت که مشخص نیست عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)»، آیا شامل مواردی می‌شود که مطابق فتوای مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» وجهه شرعی ندارد را نیز در بر می‌گیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

- از ذیل بند (۱۶) ماده (۴۷)، نوعی تناقض و تهافت استفاده می‌شود؛ زیرا استقراض غیر از مشارکت است؛ فلذا عبارت استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت خالی از تهافت نیست و اگر به تأمین منابع اصلاح گردد، رفع می‌شود.

ماده ۴۸- هر سال طبق تصمیم مجمع عمومی ممکن است نسبت معینی از سود ویژه به عنوان پاداش در اختیار هیئت مدیره گذارده شود. این نسبت به هیچ وجه نباید از پنج درصد سودی که همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند. اعضای هیئت مدیره می‌توانند در سمت دیگر به طور موظف و به عنوان صاحب‌منصب شرکت برای

شرکت انجام وظیفه نمایند و در ازای آن با تصویب هیئت مدیره حق الزحمه دریافت کنند.

دیدگاه مغایرت

با توجه به دولتی بودن شرکت موضوع این مصوبه، حکم مقرر در ماده (۴۸) این اساسنامه مبنی بر قرار دادن حدود پنج درصد از سود سهام در اختیار هیئت مدیره به عنوان پاداش در حکم اتلاف بیت‌المال بوده و پرداخت آن مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

مراد از ماده (۴۸) آن است که در صورتی که مجمع عمومی شرکت در هر سال تصمیم به پرداخت پاداش به اعضای هیئت مدیره گرفت، میزان آن پاداش نباید از پنج درصد سودی که همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند، نه اینکه حتماً در هر سال پنج درصد پاداش دهد. در واقع قانون‌گذار با تصویب این ماده قصد داشته تا از پرداخت پاداش‌های بیش از اندازه که منجر به اتلاف بیت‌المال می‌شود جلوگیری کند. از این رو، این ماده مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴۹- مسئولیت هر یک از اعضای هیئت مدیره شرکت در مقابل شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث طبق مقررات و قوانین جاری است.

دیدگاه مغایرت

از آنجا که اطلاق عبارت «مقررات و قوانین جاری» در ماده (۴۹) این مصوبه شامل قوانین مصوب زمان طاغوت (از جمله قانون تجارت) که ممکن است دارای احکام خلاف شرع باشد نیز می‌شود، این ماده مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

هرگاه قانون‌گذار از عبارت «مقررات و قوانین جاری» استفاده می‌کند مقصود قوانین معتبر و مشروع است و شامل قوانین نامشروع زمان طاغوت نمی‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه عبارت «مقررات و قوانین جاری» در ماده (۴۹) این مصوبه منصرف به قوانین معتبر و مشروع است، نمی‌توان از این عبارت اطلاق را برداشت کرد و آن را شامل قوانین نامشروع زمان طاغوت دانست.

ضمن آنکه قانون‌گذار در این ماده به قانون تجارت اشاره نکرده است. بنابراین، از آنجا که قانون‌گذار در این ماده مقررات و قوانین جاری معتبر را مدّ نظر داشته است، نمی‌توان این ماده را مغایر با موازین شرع دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵۷- بازرسی می‌تواند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را در هر یک از امور شرکت چه به مباشرت و چه با استفاده از خبره و کارشناس با رعایت قوانین جاری انجام داده و اطلاعات مربوط به شرکت را از مدیران یا کارکنان شرکت مطالبه نماید. انجام وظیفه بازرسی به هیچ وجه نباید مانع انجام عادی امور شرکت شود.

دیدگاه مغایرت

از آنجا که اطلاق عبارت «قوانین جاری» در ماده (۵۷) این مصوبه شامل قوانین مصوب زمان طاغوت که ممکن است دارای احکام خلاف شرع باشد نیز می‌شود، این ماده مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

هرگاه قانون‌گذار از عبارت «قوانین جاری» استفاده می‌کند مقصود قوانین معتبر و مشروع است و شامل قوانین نامشروع زمان طاغوت نمی‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه عبارت «قوانین جاری» در ماده (۵۷) این مصوبه منصرف به قوانین معتبر و مشروع است، نمی‌توان از این عبارت اطلاق را برداشت کرد و آن را شامل قوانین نامشروع زمان طاغوت دانست. بنابراین، این ماده مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۷ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱۱/۸

در بند (۱) ماده (۲) عبارت «و پیش‌فروش انرژی برق» قبل از عبارت «در چارچوب» اضافه می‌شود.

بند (۴) ماده (۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۴- تأمین منابع مالی لازم، اخذ تسهیلات مالی اعتباری و عرضه اوراق مشارکت با رعایت موازین قانونی.

دیدگاه مغایرت

بند (۴) ماده (۲) این مصوبه‌ی اصلاحی، رافع ایراد قبلی شورا مبنی بر دلالت اطلاق عبارت «اخذ تسهیلات مالی اعتباری» بر تجویز وام ربوی نیست؛ زیرا شورای نگهبان علی‌رغم وجود قید «با رعایت قوانین مربوط» در مصوبه‌ی قبلی، این بند را دارای اشکال شرعی دانسته بود. در واقع، برای رفع این ایراد علاوه بر رعایت قوانین باید نسبت به رعایت موازین شرع تصریح شود؛ در غیر این صورت، ایراد قبلی شورا کماکان به قوت خود باقی خواهد بود.

دیدگاه ابهام

در بند (۴) ماده (۲) از آنجا که معلوم نیست قید «با رعایت موازین قانونی» همه‌ی موارد مذکور در این ماده را شامل می‌شود یا تنها ناظر به مورد اخیر یعنی عرضه‌ی اوراق مشارکت است، این بند دارای ابهام است؛ زیرا در صورتی که این قید تنها ناظر به مورد اخیر باشد، ایراد قبلی شورا مبنی بر اطلاق ماده نسبت به تجویز اخذ وام ربوی کماکان به قوت خود باقی خواهد بود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) قید «با رعایت موازین قانونی» در بند (۴) ماده (۲) همه‌ی موارد مذکور در این ماده از جمله اخذ تسهیلات مالی اعتباری را شامل می‌شود؛ زیرا در اصل، رعایت قانون در همه‌ی موارد الزامی است. لذا وقتی قانون‌گذار در انتهای یک عبارت چندبخشی، رعایت موازین قانونی را لازم می‌داند، برداشت عرف حقوقی آن است که قانون‌گذار رعایت قانون در همه‌ی بخش‌ها را لازم دانسته است. ضمن آنکه ایراد قبلی شورا مبنی بر دلالت اطلاق عبارت «اخذ تسهیلات مالی اعتباری» بر تجویز وام ربوی خود قرینه‌ای است که قانون‌گذار در اصل در راستای رفع این ایراد، قید «با رعایت موازین قانونی» را آورده است. بنابراین، از آنجا که رجوع قید «با رعایت موازین قانونی» به همه‌ی موارد مذکور در این بند قطعی است، این بند با ابهام و اجمالی مواجه نیست.

ب) عبارت «موازین قانونی» در بند (۴) ماده (۲) اعم از قانون و شرع است؛ زیرا همه‌ی

قوانین در جمهوری اسلامی تصویب شده و به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است. بر همین اساس، لازم نیست که قانون‌گذار در تمامی موارد در کنار رعایت قانون، به رعایت موازین شرعی تصریح کند.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره (۲) ماده (۱۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۲- هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید. انحلال شرکت فارغ از مالکیت دولتی و یا غیردولتی مستلزم تأیید وزارت نیرو می‌باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با عنایت به اینکه تبصره (۲) اصلاحی تنها انحلال شرکت را مستلزم تأیید وزارت نیرو دانسته است، ایراد قبلی شورا مبنی بر ابهام در لزوم اخذ نظر وزارت نیرو در تمامی موارد مذکور در این تبصره برطرف شده است.

ب) با توجه به اینکه بنا به صراحت تبصره (۲) اصلاحی، هیچ یک از مجامع عمومی، صلاحیت تغییر تابعیت شرکت و نیز افزایش تعهدات صاحبان سهام را ندارند، ایراد قبلی شورا مبنی بر ابهام در اعطای این صلاحیت به مجامع عمومی و نفی صلاحیت هیئت وزیران در این خصوص طبق ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی برطرف شده است.

ج) از آنجا که تبصره (۲) اصلاحی، انحلال شرکت را فارغ از مالکیت دولتی و یا غیردولتی مستلزم تأیید وزارت نیرو دانسته است، ابهام قبلی شورا مبنی بر سرایت یا عدم سرایت موارد مذکور در این تبصره به پس از واگذاری شرکت رفع شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

بندهای (۱۱) و (۱۶) ماده (۴۷) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱۱- واگذاری یا تحصیل هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) با رعایت

موازین قانونی.

۱۶- تحصیل تسهیلات از بانکها و شرکتها و مؤسسات رسمی و درخواست اخذ هر نوع تأمین مالی به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان و سود کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد با رعایت مقررات ماده (۲) این اساسنامه و تأمین مالی به وسیله انتشار اوراق مشارکت با رعایت موازین قانونی.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه طبق بند (۱۱) اصلاحی، واگذاری یا تحصیل هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) منوط به رعایت موازین قانونی شده است، ابهام قبلی شورا مبنی بر شمول عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)» بر مواردی که مطابق فتوای مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» وجه شرعی ندارد، برطرف شده است.

ب) از آنجا که در بند (۱۶)، واژه «استقراض» حذف و عبارت «تأمین مالی» جایگزین آن شده است، ابهام قبلی شورا مبنی بر وجود تناقض و تهافت در عبارت «استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت» برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت تولید نیروی برق رامین، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.